عکس: عباس کوثری، شرق

بررسی اولویت دولت یازدهم در گفت‌وگو با دکتر هرمیداس باوند:

«ترمیم» داخلی برای مقابله با تحریم خارجی

داوود هرمیداس‌باوند اسم و چهره آشنایی در محافل علمی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به واسطه سال‌ها نقد و نظر علمی که در این حوزه داشته است، اواخر دهه ۷۰ زندگی را می‌گذراند اما همچنان پر تلاش است و اخیرا و مباحث حوزه تخصصی خود و این روزها نیز اخبار مربوط به انتخابات را پیگیری می‌کند. باوند استاد حقوق و روابط بین‌الملل است و از سال ۱۳۵۴ به استخدام وزارت خارجه درآمده و از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۲ در سازمان ملل فعالیت کرده و یکسال ریاست کمیته حقوق مجمع عمومی سازمان ملل را بر عهده داشت. باوند دکترای روابط بین‌الملل خود را از دانشگاه امریکن در واشنگتن‌دی‌سی در سال ۱۹۶۳ دریافت کرده و در دانشگاه‌های رود آیلند، تهران و آزاد تدریس کرده است. کنوانسیون سوم حقوق دریاها با موضوع «دریای بسته و نیمه بسته»، از سوی دکتر باوند در کمیسیون حقوقی مجمع عمومی سال ۱۹۷۶ مطرح شد و به تصویب رسید. او از اعضای هیات موسس انجمن علوم‌سیاسی ایران، انجمن ایرانی روابط بین‌الملل و انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد است.

گفت‌وگو: فرنگیس بیات

■ از تاثیر سیاست خارجی در انتخابات کشورهای دیگر شروع کنیم. در انتخابات کشورهای دیگر، سیاست خارجی به چه میزان اولویت دارد؟

به‌طور کلی، نظام بین‌المللی بر دو پایه استوار است یکی بنیان حقوقی مثل برابری و حاکمیت کشورها، اعم از کوچک و بزرگ که در نهادهای بین‌المللی دارای حق رای هستند و دیگری ژئوپلیتیک سلسله مراتب قدرت‌هاست. یعنی نظم و نسق جهانی بر اساس مصالح و منافع قدرت‌های بزرگ تنظیم می‌شود. این به نقش و جایگاه کشورها در قدرت جهانی برمی‌گردد. ممکن است ابعاد منافع قدرت‌های بزرگ، جهانی باشد و در این مواد سیاست خارجی می‌تواند تاثیر ویژه‌ای در مسایل داخلی داشته باشد.

در برخی کشورها ابعاد منافع و اولویت، منطقه‌ای و در برخی خرده‌منطقه‌ای است. به‌عنوان مثال رابطه سیاست خارجی کشورهای کوچکی مثل مالدیو تنها با دولت هند است که در دهلی سفارت دارد و با کشورهای دیگر ارتباطاتی از طریق سفارتخانه‌ها دارد، هیچ‌چین منبع درآمدش نیز توریسم است. باید در نظر بگیریم که ابعاد منافع ملی کشورها در تعاملات بین‌المللی در چه جهت است؟ چهاقی است یا منطقه‌ای یا خرده‌منطقه‌ای یا فراسطقه‌ای؟

■ بر مبنای این تقسیم‌بندی جایگاه کشور ما در تقسیم‌بندی‌ها چگونه است؟

کشور ما یک قدرت منطقه‌ای است و در منطقه خاورمیانه بین دو کانون استراتژیک جهانی انرژی و بین منطقه خلیج‌فارس و دریای مازندران قرار گرفته است. گذشته از جمعیت، منابع طبیعی و ... جایگاه ویژه‌ای نه‌تنها در منطقه و تا حدودی فرامنطقه‌ای داراست. قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز تا حدودی در منطقه حضور دارند. آمریکا به خلیج‌فارس به عنوان منافع حیاتی سیاست خارجی خود می‌نگرد. گذشته از اینکه ایران یک قدرت منطقه‌ای است در ارتباط ویژه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای قرار دارد به همین دلیل در سیاست خارجی ما ارتباط تکاتنگی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای یعنی آمریکا و روسیه، چین و اتحادیه اروپا وجود دارد که نسبت این تعاملات و پیامدهایش متفاوت است.

■ آیا در تاریخ معاصر ایران موردی بوده که موضوع سیاست خارجی از اهمیت ویژه‌ای در انتخابات یا رقابت‌ها برخوردار بوده باشد؟

البته رفراندوم در تاریخ کشور ما سابقه آنچنانی ندارد و اولین‌بار در زمان دکترمصدق انجام شد و بعد از انقلاب اسلامی راجع به تغییر نظام مشروطه سلطنتی به جمهوری اسلامی انجام گرفت البته در قانون اساسی پیش‌بینی شده که ممکن است تغییراتی در قانون اساسی به رفراندوم گذاشته شود. اما در کشورهایی نظیر فرانسه یا انگلیسه رفراندوم به‌صورت مستمر انجام می‌شود مثلا مسایل مهم و حتی لوایح مهم به رفراندوم گذاشته می‌شود. اما در کشور ما سقفه رفراندوم محدود است.

در رابطه با سیاست خارجی انتظار برخی پیشنهاد می‌کنند که برخی پرونده‌های مهم که در تعاملات خارجی تاثیرگذار است و بازتاب داخلی آن نیز زیاد است به رفراندوم گذاشته شود. اینکه افکار عمومی نظرش راجع به اینگونه پرونده‌ها چه خواهد بود. بنابراین شکی در این نیست که جریان‌ها و ردیف‌های داخلی بحث خاص خود را در سیاست خارجی در پی داشته است و باز هم به نوبه خود مشکلات ما در سیاست خارجی در وضع داخلی تاثیرگذار است. جنازه امروز و فردا به تکنولوژی هسته‌ای، تاثیر تحریم‌هایی که از سوی شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌هایی که از طرف اتحادیه اروپا و آمریکا و همراهشان ملل کانادا، استرالیا، ژاپن و دیگران اتخاذ گرفته را شاهدیم و وضع اقتصادی، مشکلات روزافزون اقتصادی جامعه و اثار و آسیب‌های آن را می‌بینیم.

در دنیای امروز تاثیرات امور داخلی و سیاست خارجی برای کشورهایی مانند ایران که در چهاراراه تعاملات بین‌المللی قرار گرفته به‌خطور کلی اثرات ویژه و خاص خود را در پی دارد. بسیاری از کشورها شاید مسایل و امور داخلی‌شان در پیوند سیاست خارجی نیست، بلکه سیاست خارجی‌شان بر اساس مبانی از پیش‌تعیین‌شده است. مثل کشورهای اسکاندیناوی که مدارات خاص خود را دارند و عضو اتحادیه اروپا نیز هستند و همکاری‌های خردمنطقه‌ای دارند و مشکلاتی در حوزه سیاست خارجی ندارند.

■ عده‌ای مدعی هستند برخی شعارهای سیاست خارجی در زمان انتخابات مصرف داخلی دارد و عملا سیاست خارجی به گروگان منافع جناح‌ها تبدیل می‌شود.

این مربوط به کشورهایی با مبانی خاص می‌شود که بر آن مبنا حرکت می‌کنند. ممکن است آن باور موجب نگرش واقع‌گرایانه شده باشد و رهنمون در خدمت منافع ملی باشد و الگوی مصلحتی در جهت تحقق منافع ملی به خدمت گرفته شود. اما در تعاملات واقعی بین‌المللی آنها به این مبنا حرکت می‌کنند، بعد از مدتی به این نتیجه می‌رسند که برای نیل به مصالح و منافع مردمی‌شان باید مولفه منصفه‌ای بین منافع ملی و آرزش‌ها برقرار شود. در برخی جوامع قرار گرفته و در طلب کسب جایگاه در نظام داخلی هستند. سعی می‌کنند از شعارهایی استفاده کنند که مصرف داخلی داشته باشد. یعنی جذابیت داخلی داشته باشد. معمولا در این جوامع یک نوع سنگی سیاسی وجود دارد. این نوع شعارها سبب می‌شود که مراکز تصمیم‌گیرنده و کسانی که در سیاست خارجی انظارشان می‌کنند متعدد باشند. در کشورهای توسعه یافته، سیاست خارجی در چارچوب وزارت خارجه تعریف می‌شود. یعنی قرارند تصمیم در حوزه سیاست خارجی از سوی تصمیم‌گیرندگانی مثل شورای امنیت ملی یا کنگره آمریکا یا حتی لابی‌ها از طریق وزارت خارجه اعلام و پیگیری می‌شود. اما در کشورهای دیگر بسیاری از نهادها در سیاست خارجی انظارشان در سیاست خارجی مشخص نیست. مثلا در کشورهای دیگر شده باشند. مثلا در مقابل صادرات نفت به هند بزنیم و کالای هندی مصرف در جهت مصالح و منافع خاص خود، از آن بهره‌برداری می‌کنند. بنابراین نمی‌توان بگوییم که در کشورهای دیگر از این موارد به نفع خود استفاده نشده یا نمی‌شود.

■ شما از برقراری یک موازنه منصفانه بین منافع ملی و ارزش‌ها صحبت کردید. آیا تاکنون به سیاست خارجی‌های گذشته و دولت‌هایی که سر کار آمدند نشان می‌دهد که این موازنه ایجاد شده است؟

اگر بادقت باشد تا حدودی زمان آقای رفسنجانی گلبهایی برداشته شد ولی با برخی دشواری‌ها مواجه شد و زمینه گفت‌وگوهای سازنده دچار خدشه شد. در زمان آقای خاتمی تنش‌زدایی در سیاست خارجی مطرح و با استقبال جنازه‌ها تبدیل می‌شود. اینکه سیاست خارجی‌شان بر اساس مبانی از پیش‌تعیین‌شده است. مثلا کشورهای اسکاندیناوی که مدارات خاص خود را دارند و عضو اتحادیه اروپا نیز هستند و همکاری‌های خردمنطقه‌ای دارند و مشکلاتی در حوزه سیاست خارجی ندارند.

■ عده‌ای مدعی هستند برخی شعارهای سیاست خارجی در زمان انتخابات مصرف داخلی دارد و عملا سیاست خارجی به گروگان منافع جناح‌ها تبدیل می‌شود.

این مربوط به کشورهایی با مبانی خاص می‌شود که بر آن مبنا حرکت می‌کنند. ممکن است آن باور موجب نگرش واقع‌گرایانه شده باشد و رهنمون در خدمت منافع ملی باشد و الگوی مصلحتی در جهت تحقق منافع ملی به خدمت گرفته شود. اما در تعاملات واقعی بین‌المللی آنها به این مبنا حرکت می‌کنند، بعد از مدتی به این نتیجه می‌رسند که برای نیل به مصالح و منافع مردمی‌شان باید مولفه منصفه‌ای بین منافع ملی و آرزش‌ها برقرار شود. در برخی جوامع قرار گرفته و در طلب کسب جایگاه در نظام داخلی هستند. سعی می‌کنند از شعارهایی استفاده کنند که مصرف داخلی داشته باشد. یعنی جذابیت داخلی داشته باشد. معمولا در این جوامع یک نوع سنگی سیاسی وجود دارد. این نوع شعارها سبب می‌شود که مراکز تصمیم‌گیرنده و کسانی که در سیاست خارجی انظارشان می‌کنند متعدد باشند. در کشورهای توسعه یافته، سیاست خارجی در چارچوب وزارت خارجه تعریف می‌شود. یعنی قرارند تصمیم در حوزه سیاست خارجی از سوی تصمیم‌گیرندگانی مثل شورای امنیت ملی یا کنگره آمریکا یا حتی لابی‌ها از طریق وزارت خارجه اعلام و پیگیری می‌شود. اما در کشورهای دیگر بسیاری از نهادها در سیاست خارجی انظارشان مشخص نیست. مثلا در کشورهای دیگر شده باشند. مثلا در مقابل صادرات نفت به هند بزنیم و کالای هندی مصرف در جهت مصالح و منافع خاص خود، از آن بهره‌برداری می‌کنند. بنابراین نمی‌توان بگوییم که در کشورهای دیگر از این موارد به نفع خود استفاده نشده یا نمی‌شود.

■ آیا با توجه به شرایط فعلی، دولت آینده با چه شرایطی در عرصه سیاست خارجی مواجه خواهد بود؟

متاسفانه کسانی که برای انتخابات ریاست‌جمهوری تایید صلاحیت شدند، هیچ‌کدام برنامه‌ای عرضه نکردند که در رابطه با مشکلاتی که در عرصه‌های مختلف با آن مواجه هستیم چه راه‌حل‌هایی برای برون‌رفت از تنگناها و بن‌بست‌های موجود مدنظر دارند. کاندیداها اظهارنظرهای کلی مطرح کردند، همه بر مشکلات اقتصادی تاکید کردند و اینکه در مقام حل این مشکلات برمی‌آیند. حتی یکی از نامزدها صرفا بر جنبه ارزشی تاکید دارد بر این مبنا که برای صدور ارزش‌های انقلابی و اسلامی خود در قبال نظام سرمایه‌داری یا کمونیسم بی‌رنگ‌شده در گستره ابعاد جهانی باید تلاش کرد. طلب گسترش ارزش‌های مبتنی بر مبانی نظام اسلامی در بعد جهانی مسالهای نیست که بتوان در یک دوره چهار ساله انجام داد. اینها مسایل کلی و درازمدتی است که با فراونشیب‌ها و چالش‌هایی مواجه است. اما حلال مشکلاتی که امروز، مردم آنها را لمس می‌کنند، نخواهد بود. به‌طورکلی برای حل مشکل رکود اقتصادی که جامعه فعلی ما با آن مواجه است، سه راه‌حل وجود دارد: یک) پس‌انداز ملی؛ دو) وام خارجی؛ سه) جلب سرمایه خارجی.

پس‌انداز ملی کشور ما در ابعاد قابل‌توجهی نیست. حدود ۱۵-۱۴ درصد است، وام خارجی هم به دلیل تحریم‌ها ۵۰درصد کاهش یافته است، به‌علاوه اینکه کشور باتهاد وابدهنده باید به‌وسیله بانک مرکزی تضمین شود و بعد برای آن بروژه تعریف شود و دیگر اینکه کالاهای موردنظر هم باید از همان کشور تامین شود. آنچه امروز نیاز داریم جلب سرمایه خارجی است. در مورد انرژی، گاز و نفت بیش از ۳۰ قرارداد منعقد کرده بودیم که به‌دلیل همین تحریم‌ها این ۳۰ قرارداد با مافی شده یا به حال تعلیق درآمده‌اند.

صادرات غیرنفتی نیز در سال جاری در حدود شش‌درصد کاهش یافته است و این نکته را باید به‌خاطر داشته باشیم. کشورهایی که خریدار گاز ایران بودند، اکنون به سمت کشور دیگری برای تامین نیازشان رفته‌اند. در این شرایط اگر ایران هر نوع فراری یا کشورهای ۵+۱ بگذارد، قراردادهای خریداران پیشین گاز ما با کشورهای دیگر لغو نمی‌شود. در ضمن اینکه ما به هر نوع تقاضایی که دست پیدا کنیم، گلبه‌گام است. از لحاظ اقتصادی و مشکلاتی که با آن مواجه هستیم به مساله تکنولوژی هسته‌ای برمی‌گردد. من بر این باورم، مادامی که مسایل و مشکلاتمان را با قدرت‌های تاثیرگذار بر تصمیم کشورهای ۵+۱ حل نکنیم، مجبوریم شرایط سنگین روسیه و چین را بپذیریم و آنها نیز از این شرایط استفاده کنند. بنابراین مادامی که مسایل و مشکلاتمان را با قدرت‌های تاثیرگذار بر تصمیم کشورهای ۵+۱ حل نکنیم، مجبوریم شرایط سنگین روسیه و چین را بپذیریم و آنها نیز از این شرایط استفاده کنند. ملاد در مقابل صادرات نفت به هند بزنیم و کالای هندی مصرف در جهت مصالح و منافع خاص خود، از آن بهره‌برداری می‌کنند. بنابراین نمی‌توان بگوییم که در کشورهای دیگر از این موارد به نفع خود استفاده نشده یا نمی‌شود.

■ در این مورد می‌توانید مثال بزنید؟

دو مثال مطرح می‌کنم. راجع به موضوع هولوکاست. این موضوع در دهه ۵۰ و ۶۰ و ۷۰ از سوی حقوقدان‌ها و روشنفکران عرب بارها و بارها مطرح شده بود اما به به جایی نبرده بود. موضوع را رها کردند. چون دیدند که راحل مشکل خود رابابد از طرق دیگر پیگیری کنند. اما وقتی رییس‌جمهور کشور ما مطرح کرد، اسراییل حداکثر استفاده را از این اظهارنظر کرد. شورای امنیت یک بیانیه در جهت تایید هولوکاست و مخالفت با کسانی که معترض بودند، صادر کرد. مجمع عمومی سازمان ملل نیز یک قطعنامه صادر کرد. همچنین پارلمان شورای اروپا و دیگر کشورها نیز بیانیه صادر کردند. به‌عنوان اینکه تهدیدی علیه اسراییل مطرح شد و در معرض خطر است. نهتنها استفاده سیاسی و تبلیغاتی برای مخالفان و رقبایی پیشرفته دریافت کرد. بنابراین این شعارها ممکن است مصرف داخلی داشته باشند. فاقل از اینکه قدرت‌هایی که مورد حقد هستند در جهت مصالح و منافع خاص خود، از آن بهره‌برداری می‌کنند. بنابراین نمی‌توان بگوییم که در کشورهای دیگر از این موارد به نفع خود استفاده نشده یا نمی‌شود.

■ شما از برقراری یک موازنه منصفانه بین منافع ملی و ارزش‌ها صحبت کردید. آیا تاکنون به سیاست خارجی‌های گذشته و دولت‌هایی که سر کار آمدند نشان می‌دهد که این موازنه ایجاد شده است؟

اگر بادقت باشد تا حدودی زمان آقای رفسنجانی گلبهایی برداشته شد ولی با برخی دشواری‌ها مواجه شد و زمینه گفت‌وگوهای سازنده دچار خدشه شد. در زمان آقای خاتمی تنش‌زدایی در سیاست خارجی مطرح و با استقبال جنازه‌ها تبدیل می‌شود. اینکه سیاست خارجی‌شان بر اساس مبانی از پیش‌تعیین‌شده است. مثلا کشورهای اسکاندیناوی که مدارات خاص خود را دارند و عضو اتحادیه اروپا نیز هستند و همکاری‌های خردمنطقه‌ای دارند و مشکلاتی در حوزه سیاست خارجی ندارند.

■ عده‌ای مدعی هستند برخی شعارهای سیاست خارجی در زمان انتخابات مصرف داخلی دارد و عملا سیاست خارجی به گروگان منافع جناح‌ها تبدیل می‌شود.

این مربوط به کشورهایی با مبانی خاص می‌شود که بر آن مبنا حرکت می‌کنند. ممکن است آن باور موجب نگرش واقع‌گرایانه شده باشد و رهنمون در خدمت منافع ملی باشد و الگوی مصلحتی در جهت تحقق منافع ملی به خدمت گرفته شود. اما در تعاملات واقعی بین‌المللی آنها به این مبنا حرکت می‌کنند، بعد از مدتی به این نتیجه می‌رسند که برای نیل به مصالح و منافع مردمی‌شان باید مولفه منصفه‌ای بین منافع ملی و آرزش‌ها برقرار شود. در برخی جوامع قرار گرفته و در طلب کسب جایگاه در نظام داخلی هستند. سعی می‌کنند از شعارهایی استفاده کنند که مصرف داخلی داشته باشد. یعنی جذابیت داخلی داشته باشد. معمولا در این جوامع یک نوع سنگی سیاسی وجود دارد. این نوع شعارها سبب می‌شود که مراکز تصمیم‌گیرنده و کسانی که در سیاست خارجی انظارشان می‌کنند متعدد باشند. در کشورهای توسعه یافته، سیاست خارجی در چارچوب وزارت خارجه تعریف می‌شود. یعنی قرارند تصمیم در حوزه سیاست خارجی از سوی تصمیم‌گیرندگانی مثل شورای امنیت ملی یا کنگره آمریکا یا حتی لابی‌ها از طریق وزارت خارجه اعلام و پیگیری می‌شود. اما در کشورهای دیگر بسیاری از نهادها در سیاست خارجی انظارشان مشخص نیست. مثلا در کشورهای دیگر شده باشند. مثلا در مقابل صادرات نفت به هند بزنیم و کالای هندی مصرف